

Effects of parenting style and adherence to families' religious beliefs on students' personal, social and academic characteristics with regard to mediating role

Mahmod Moradi^{*}, Majid Zargham Hejebi^{}**

Hassan Mirzahosini^{*}**

Abstract

The purpose of the current research was to analyze the effects of parenting style and adherence to religious beliefs of families on the individual, social and academic characteristics of students, considering the mediating role of the media. This research is descriptive of the correlation (regression) type in terms of its purpose, application and method. The statistical population of this research includes all the students of the second year of high school in Qom in the academic year 2018-2019 (about 15 thousand male and female students). The statistical sample of the research includes 375 students (according to Morgan's table) who were randomly selected and examined. Research tools include Baumrind's parenting styles questionnaire (2010), religious beliefs questionnaire (2019), neo personality characteristics questionnaire designed by McCree and Costa (2012), Vineland social development scale, Pham and Taylor's academic performance questionnaire (1999) and researcher-made questionnaire. It was the use of mass media. The results of the present research showed that at the level of 0.99, parenting styles and adherence to the religious beliefs of families and the media have an effect on the individual, social and academic characteristics of students, and considering

* Ph.D. Candidate of Educational Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch Qom, Iran, moradi_m@yahoo.com

** Assistant Professor of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran (Corresponding Author), majidzargham1985@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of General Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran, mirzahoseni_h@yahoo.com

Date received: 02/05/2024, Date of acceptance: 26/07/2024



that the values obtained from the Sobel test are more than is 1.96 and it is significant at the confidence level of 0.95, it can be concluded that the media variable acts as a mediating variable between the mentioned variables. Therefore, it is possible to use the media's educational and motivational capacity to teach and promote the ideal parenting style, as well as the importance of paying attention to religion and religious principles in the family.

Keywords: parenting style, religious beliefs, personality traits, social development, students.



اثرات سبک فرزندپروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان با توجه به نقش میانجی رسانه‌ها

محمود مرادی*

مجید ضرغام حاجبی**، حسن میرزا حسینی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل اثرات سبک فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان با توجه به نقش میانجی رسانه‌ها بود. این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و روش انجام آن، توصیفی از نوع همبستگی (رگرسیون) است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم مقطع متوسطه شهر قم در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند (حدوداً ۱۵ هزار دانش‌آموز دختر و پسر). نمونه آماری پژوهش شامل ۳۷۵ دانش‌آموز (با توجه به جدول مورگان) هستند که به صورت خوشه‌ای- تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند (۲۰۱۰)، پرسشنامه باورهای مذهبی (۱۳۷۹)، پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو طراحی شده توسط مک کری و کوستا (۲۰۱۲) مقیاس رشد اجتماعی واینلند، پرسشنامه عملکرد تحصیلی فام و تیلور (۱۹۹۹) و پرسشنامه محقق ساخته استفاده از رسانه‌های جمعی بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در سطح ۰/۹۹، سبک‌های فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها و رسانه بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی

* دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، moradi_m@yahoo.com

** استادیار گروه روانشناسی بالینی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
majidzargham1985@gmail.com

*** استادیار گروه روانشناسی عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، mirzahoseni_h@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۵



دانش آموزان تأثیرگذار است و با توجه به آنکه مقادیر به دست آمده از آزمون سوبل بیشتر از ۱/۹۶ می باشد و در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی دار می باشد، می توان نتیجه گرفت که متغیر رسانه به عنوان متغیر میانجی بین متغیرهای عنوان شده عمل می کند. لذا می توان از ظرفیت آموزشی و انگیزشی رسانه در جهت آموزش و ترویج سبک فرزندپروری مطلوب و همچنین اهمیت توجه به دین و اصول دینی در خانواده استفاده کرد.

کلیدواژه ها: سبک فرزند پروری، باورهای دینی، ویژگی های شخصیتی، رشد اجتماعی، دانش آموزان.

۱. مقدمه

شتاب روزافزون تحول علوم در زمینه های گوناگون و گسترش اطلاعات و ارتباطات، ضرورت پرورش نیروی انسانی کارآمد و بانگیزه را که بتواند همپای این تحولات حرکت نماید، می طلبد. با توجه به نقش و اهمیت تحصیل در زندگی نوجوانان و جوانان شناسایی ویژگی های شخصیتی، تحصیلی، اجتماعی و انگیزشی این گروه از افراد برای پرورش و ارتقای افکار ضروری به نظر می رسد. اگرچه فراگیران در موقعیت های آموزشی به عنوان کارمند کار نمی کنند یا شغل خاصی در آنجا ندارند اما از دیدگاه روان شناختی، فعالیت های آموزشی و درسی آن ها را می توان به عنوان یک کار در نظر گرفت (ابراهیم آبادی، ۱۳۸۸: ۱۳). یادگیرندگان با یک هدف خاص و جهت گیری به سوی آن و حمایت اجتماعی که از سوی خانواده و محیط آموزشی و افراد مهم زندگی خود ادراک می کنند و در کلاس ها حضور پیدا می کنند. آنان با داشتن ادراک از شرایط، برای رسیدن به هدف، موقعیت آموزشی و اهداف تحصیلی و زندگی خود را شکل می دهند. به همین دلیل هدف گذاری و ایجاد شرایط مناسب برای آنان در هدایت فعالیت های تحصیلی، اجتماعی و فردی برای افزایش انگیزش، خودکارآمدی و بسیاری از فاکتورهای شناختی و رفتاری اثر می گذارد (تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۸۸: ۱۱). با این حال بهبود ویژگی های شخصیتی، تحصیلی و اجتماعی از جمله ابعاد مهم در توسعه و پیشرفت دانش آموزان است و می تواند به شکوفایی جامعه کمک کند. برخی از محققان نیز با جمع بندی تعاریف صورت گرفته توسط روان شناسان، دست به ارائه تعریف از شخصیت زده اند. به طور کلی می توان گفت شخصیت مجموعه ای از صفات و رفتارهایی است که فرد را توصیف می کند. شخصیت در طی زمان از تعامل عوامل وراثتی و محیطی شکل می گیرد (شیخی، ۱۳۹۱: ۳۱).

از سویی دیگر بهبود مهارت‌های اجتماعی ازجمله ابعاد مهم در توسعه و پیشرفت دانش‌آموزان است. ارزیابی مهارت اجتماعی دانش‌آموزان در سال‌های اخیر موردتوجه متخصصان، روان‌شناسان و مربیان آموزشی بوده است. فرآیند رشد اجتماعی تا پایان زندگی ادامه می‌یابد؛ زیرا فرد همواره تحت تأثیر افراد و نهادهای اجتماعی قرار می‌گیرد (کارتلج و میلبرن، ۱۳۸۷، ۱۱). اجتماعی شدن مستلزم بسیاری از رفتارها مانند مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های جسمی و حرکتی، خلق و خوی، ارزش‌ها، معارف، نگرش‌ها، رفتار بهنجار و طبع و نظم است. به‌طورکلی مهارت‌های اجتماعی رفتارهای قابل قبولی هستند که فرد را قادر می‌سازند تا به طور مؤثری با دیگران تعامل داشته و از پاسخ‌های غیرقابل قبول اجتماعی اجتناب نماید (کارتلج و میلبرن، ۱۳۸۷؛ ۱۴). لذا برای ارتقاء کیفیت زندگی دانش‌آموزان می‌بایست مهارت‌های اجتماعی آنان ارتقاء پیدا کند. در ادامه مبحث و در راستای موضوع پژوهش، پیشرفت تحصیلی و شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه و پیشرفت دانش‌آموزان است و آن ازجمله مسائلی است که توجه کارشناسان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است (بینه و سیمون (Binet & Simon)، ۱۹۰۵، ثرن‌دایک (Thorendike)، ۱۹۲۰، الشات و هامکر (Alshat & Hamker)، ۲۰۰۰؛ به نقل از ابراهیم آبادی، ۱۳۸۸؛ ۱۶)، زیرا دست یافتن به نتایج مثبت در زمینه تحصیل (با شناسایی و مهار عوامل تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی) منجر به پیشرفت همه‌جانبه دانش‌آموزان و جامعه می‌شود. پیشرفت تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می‌شود. اطلاقی می‌شود که به وسیله آزمون‌های فراگیری استاندارد شده یا آزمون‌های معلم ساخته اندازه‌گیری می‌شود (امینی، ۱۳۹۰؛ ۱۸).

بالین حال و به‌طورکلی شناخت راهکارهای رشد دانش‌آموزان در ابعاد فردی، تحصیلی و اجتماعی دارای اهمیت و شایان توجه است. در این راستا برنر نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی را برای درک عوامل اثرگذار بر ابعاد رشدی فرد طراحی کرده است. این عوامل به شکل مجموعه‌ای از نظام‌های مختلف در نظر گرفته می‌شوند که دامنه‌ای فراتر از خود کودک دارند و کودک در مرکز این مدل قرار می‌گیرد. مدل سیستم‌های بوم‌شناختی، شخص را به صورتی در نظر می‌گیرد که در یک سیستم پیچیده روابط رشد می‌کند که چندین سطح از محیط اطراف ازجمله خانواده و مدرسه بر او تأثیر می‌گذارند. هنگامی که افراد نقش‌ها یا موقعیت‌هایی را به زندگی خود اضافه می‌کنند، وسعت ریز سیستم‌های آن‌ها تغییر می‌کند. این تغییرات در موقعیت‌ها یا انتقال‌های بوم‌شناختی، در سرتاسر زندگی صورت می‌گیرند و اغلب نقطه عطفی مهم در رشد هستند. بالین وجود، هیچ عاملی از نظر قدرت و گستره تأثیر با خانواده برابری نمی‌کند. خانواده میان افراد پیوندهایی برقرار

می‌کند که منحصر به فرد هستند. دلبستگی به والدین و خواهر و برادر معمولاً مادام‌العمر است و وظیفه الگویی را برای روابط در دنیای وسیع‌تر محله، مدرسه و جامعه به عهده دارد. کودکان در خانواده، زبان، مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی فرهنگ خود را می‌آموزند و افراد در تمام سنین برای دریافت اطلاعات، کمک و تعامل لذت‌بخش به اعضای خانواده روی می‌آورند (برک، ۲۰۰۷؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۸؛ ۲۶). با این حال شکل‌های گوناگون، ترکیب و ساختار خانواده ممکن است بر رشد ابعاد وجودی کودکان به روش‌های متفاوت تأثیر گذار باشد. پرورش کودکان یکی از ابعاد عملکرد والدین است و مهم‌ترین اعضای این فرایند والدین هستند (قانی و همکاران، ۲۰۱۴). الگوهای عملکرد خانواده، یعنی ابعاد عملکردی خانواده در شیوه‌های فرزند پروری منعکس و به سبک‌های والدگری مربوط می‌شود.

از سویی مذهب سیستم سازمان‌یافته‌ای از باورها شامل سنت، ارزش‌های اخلاقی، رسومات، مشارکت در یک جامعه دینی برای اعتقاد راسخ‌تر به خدایا یک قدرت برتر است (بلاغت، احمدی و گلزاری مقدم، ۱۳۹۵: ۱۸۷). پایبندی و تعهد مذهبی نشان‌دهنده این است که یک فرد تا چه حد درگیر امور مذهبی است. فردی که تعهد مذهبی دارد به ارزش‌ها، باورها و تکالیف مذهبی خود پایبند و وفادار است و از آن‌ها در زندگی روزمره‌اش بهره می‌گیرد. باورهای مذهبی شیوه‌هایی مؤثر برای رویارویی با سختی‌ها، تجارب دردناک و نشانه‌های بیماری است و همچنین در زمان مشکلات و ناراحتی‌ها بر چگونگی روابط انسانی اثر می‌گذارد (غفوری، حسن آبادی، مهرام و قنبری، ۲۰۱۱: ۱۲۳). از سویی دیگر معنویت از نیازهای درونی انسان است که در قلب‌ها، ذهن‌ها و در آیین‌ها، به‌ویژه آیین‌های مذهبی وجود دارد. فارو (Faroe) (۱۹۸۳) معنویت را متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و فردی می‌داند. به سخن دیگر، معنویت خود به‌تنهایی زمینه‌ای برای رشد و نگرش و نیازمند بیشترین تجربه‌های انسانی است. در این خصوص وست و وان (Van&West) (۱۹۹۰) از جمله روان‌شناسان معروف، معنویت را تلاش همواره بشر برای پاسخ به چراهای زندگی تعریف کرده‌اند (به نقل از اسفندیاری، خشابی، امان پور و عظیمی، ۲۰۱۱: ۲۷).

رسانه‌های جمعی شامل تلویزیون، فیلم‌های سینما، رادیو، کتابها، مجلات، روزنامه‌ها و رسانه‌های نوین مانند اینترنت می‌شود. در دنیای امروز به علت گسترش تکنولوژی در حوزه رسانه‌ها و شیوع استفاده از رسانه جهت کسب اطلاعات، سرگرمی و ایجاد ارتباط و حتی کسب درآمد، رسانه جایگاه خاص و ویژه‌ای در جامعه یافته است (والکنبرگ (Valkenburg) و همکاران، ۲۰۲۲). در این راستا نقش‌های متعددی برای رسانه‌ها قائل شده‌اند که مهم‌ترین آن

اثرات سبک فرزندپروری و عمل به باورهای دینی ... (محمود مرادی و دیگران) ۲۲۱

عبارتند از: اطلاع‌رسانی و آگاهی، حمایت از قانون و نظارت بر اجرای درست قوانین، ایجاد حیطه مناسب برای برخورد عقاید گوناگون، فراهم کردن زمینه آموزش مداوم، کمک به رشد فرهنگی و فکری جامعه، فراهم کردن سرگرمی‌های آموزنده، ایجاد روحیه مشارکت و همکاری برای برنامه‌های توسعه و ... (کاستلر (Köstler) و همکاران، ۲۰۲۲).

همچنین رسانه‌های اجتماعی امروزه به بخش جدایی ناپذیر زندگی بسیاری از مردم تبدیل شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی بخشی از رسانه اجتماعی هستند که با اهداف مختلفی ایجاد شده‌اند و کاربران بسیار زیادی را به خود جذب کرده‌اند (یانگ (Yang)، ۲۰۲۲). امروزه بعضی از شبکه‌های اجتماعی با سرویس‌هایی که ارائه می‌دهند و با کاربری‌هایی که دارند، خود به یک رسانه خبری تبدیل شده‌اند و اثرات عمیقی بر وقایع مختلف در دنیای واقعی گذاشته‌اند. شبکه‌های اجتماعی روی زندگی افرادی که در آن‌ها عضو هستند هم بسیار تأثیرگذارند (ضیایی‌پرور و همکاران، ۱۳۸۹).

با این حال و به طور کلی، با توجه به اهمیت دانش آموزان بر توسعه جامعه و اینکه دانش آموزان آینده‌سازان هر ملتی هستند، شناخت راهکارهای پیشرفت دانش آموزان در ابعاد فردی، اجتماعی و تحصیلی می‌تواند به توسعه راهکارهای پیشرفت آنان کمک کند. در این راستا سبک‌های فرزند پروری و باورهای مذهبی خانواده و همچنین برنامه‌های رسانه‌ای بسیار حائز اهمیت و شایان توجه می‌باشد و از طرفی تاکنون پژوهشی به بررسی این متغیرهای خانوادگی مهم در ابعاد رشدی فرزندان برای ارائه یک الگوی کاربردی نپرداخته است، پس با توجه به تحقیقات محدود در این زمینه و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی شهرهای مذهبی به‌ویژه شهر قم، هدف از پژوهش تحلیل اثرات سبک فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی با توجه به نقش رسانه‌ها در دانش آموزان شهر قم می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فرزندپروری به عنوان فعالیتی پیچیده شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه‌ای است که به‌طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. شیوه‌های فرزندپروری به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها که تعاملات والدین و کودک را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند و یک جوّ تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد، تعریف می‌شوند (طهماسب‌نژاد و ارین، ۱۳۹۹: ۸۵).

بامریند (۱۹۷۳) کوشیده است تا رفتارهای گوناگون را به سبک‌های تربیتی مختلف نسبت دهد. وی اعتمادبه‌نفس، خوداتکائی، خود نظم دهی، خلاقیت، فعالیت‌های اکتشافی، آرامش و رضایت خاطر را به سبک تربیتی قاطع و اطمینان‌بخش و کناره‌گیری اجتماعی، عدم اعتمادبه‌نفس، رفتارهای خشک را به سبک تربیتی دیکتاتور یا مستبدانه نسبت می‌دهد. فرزندان والدین سهل‌گیر از حداقل خوداتکائی و استقلال، مسئولیت‌پذیری و فعالیت‌های اکتشافی برخوردارند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو-سویه میان کودک و والد مشخص می‌شود. این والدین، کودکان‌شان را به وسیله ابراز کلامی و جسمانی حمایت می‌کنند، آن‌ها از کودکان‌شان با محبت و روابط نزدیک مراقبت می‌کنند و انتظارات‌شان با توانایی‌های کودکان‌شان تناسب دارد (لو و همکاران، ۲۰۲۰). فرزندپروری مستبدانه با مهارگری شدید، سطوح بالایی جدیت، انضباط بی‌ثبات و سخت‌گیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌شود (دیان، ۲۰۰۵) والدین مستبد سطوح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ‌دهی را اعمال می‌کنند. آن‌ها از فرزندان خود انتظار اطاعت داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی، فرزندان خود را تنبیه می‌کنند (ثابت خواه فومنی، اخوان خدا شهری و فرج پور کمسری، ۱۳۹۸؛ ۱). این والدین پیروی کردن و کنترل را مورد تأکید قرار می‌دهند در حالی که بده و بستان کلامی، خودمختاری و استقلال را منع می‌کنند (هاسلم و همکاران، ۲۰۲۰). فرزندپروری آزادگذار با کمبود مهار والدینی به گونه‌ای که اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک با شکست مواجه می‌شود و با گرایش به تن دادن به خواست‌های کودک مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر هیچ گونه کنترلی بر روی فرزندان خود ندارند و این فرزندان کم‌ترین میزان اعتمادبه‌نفس، کنجکاوی و خودکنترلی را در هر گروهی از خود نشان می‌دهند و در کنترل تکانه و تشخیص ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها مشکل دارند (خسروی و حکیمی نصرآبادی، ۱۳۹۱؛ ۳۶). این والدین نسبت به رفتار فرزند، گرم و پذیرا هستند و از حداقل تنبیه استفاده می‌کنند (هیل استروم، ۲۰۰۹). همچنین در عین بردباری، پذیرش و گرمی، خواسته‌های اندک یا هیچ خواسته‌ای در مورد رفتار یا خود تنظیمی ندارند (لو و همکاران، ۲۰۲۰). در فرزندپروری مسامحه کار، والدین در پاسخ‌دهی و سخت‌گیری در سطح پایینی قرار داشته و طرد کننده یا مسامحه کننده‌اند. آن‌ها خود را در تربیت بچه‌ها درگیر نمی‌کنند و به نظر می‌رسد که مراقبتی بر روی بچه‌ها ندارند و حتی ممکن است آن‌ها را هرگز نپذیرند (علوی، ۱۳۹۳؛ ۱۰۶). با این حال سروس‌سی و یافی (Yaffe) (۲۰۲۰)، گوین، برانسوم، تیلور، چنی و ژانگ (Gwin, Branscum, Taylor, Cheney, Yaffe)

Maness, Frey & Zhang (۲۰۲۰) و جی هانگ، یو و لین (Jiang, You, Zheng & Lin) (۲۰۱۷) در پژوهش‌های خود بر بهبود شیوه‌های فرزند پروری و حرکت به سوی سبک‌های تربیتی تعاملی و منطقی برای توسعه ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند اما کلاتری و شریفی (۱۳۹۵) اظهار کردند که بین سبک تربیتی مستبدانه با تحول روانی اجتماعی دانش‌آموزان دختر رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد و بین سبک تربیتی مقتدرانه با تحول روانی اجتماعی دانش‌آموزان دختر رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد، با این حال این تفاوت در بین برخی تحقیقات و لزوم توجه به تفاوت‌های فرهنگی و حرکت جامعه ایرانی به سمت فرزند سالاری، لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر را برای شناخت روش‌های فرزندپروری مطلوب جامعه ایرانی را مشخص می‌کند.

از سویی معنویت که گاهی افراد آن را با عنوان سلامت معنوی تعبیر می‌کنند به مثابه آگاهی از هستی یا نیرویی فراتر از جنبه‌های مادی زندگی است و احساس عمیقی از وحدت یا پیوند با کائنات را به وجود می‌آورد. سلامت معنوی دارای دو بعد می‌باشد. بعد عمودی شامل ارتباط با ماوراء و بعد افقی شامل ارتباط با دیگران و محیط است. برخی مطالعات بیانگر آن است که بدون سلامت معنوی، دیگر ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی نمی‌تواند عملکرد درستی داشته یا به حداکثر ظرفیت خود برسند و در نتیجه بالاترین سطح کیفیت زندگی، قابل دستیابی نخواهد بود (جاسم نژاد، ۱۳۹۸: ۱). افزون بر این، بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته تمایلات معنوی و مذهبی بودن باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی، سلامت روان، تحمل حوادث فشارزای زندگی و مصونیت بیش‌تر در برابر تنش و بهبود روابط بین افراد خانواده می‌گردد (عاشوری و همکاران، ۲۰۱۶). از سویی دین مبین اسلام از توسعه ابعاد فردی، اجتماعی و تحصیلی یا علمی تحت عنوان کمال نام‌برده است. با این حال و با در نظر گرفتن این مطلب که توجه به رشد و توسعه فردی و اجتماعی و علمی در دین مبین اسلام و مکتب شیعه هم در زمینه فردی حائز اهمیت بوده و هم رشد فرزندان در این زمینه‌ها بسیار با اهمیت است لذا باورهای مذهبی خانواده می‌تواند به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده، والدین را در زمینه رشد فردی و اجتماعی و علمی فرزندان تشویق و ترغیب کند و انجام پژوهش‌های مستند علمی نیز می‌تواند نقشی تسهیلگر در بهبود نگرش و باور خانواده برای توجه بیشتر به باوری‌های مذهبی در خانواده را به همراه داشته باشد. با این حال با توجه به اهمیت ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان، نمی‌توان از نقش رسانه‌ها در این خصوص غافل شد، زیرا نقش مهم در

فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی خرده‌فرهنگ‌ها دارند (نیوکامب (Newcomb) و همکاران، ۲۰۲۲؛ مورس (Moore's)، ۲۰۲۲؛ نسبیت (Nesbitt) و همکاران، ۲۰۲۲).

در زمینه مزایایی شبکه‌های اجتماعی و استقبال بسیار زیاد از آن‌ها می‌توان گفت، انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی (هرچند امکان انتشار اطلاعات نادرست زیاد است اما مخاطب می‌تواند اطلاعات را در پایگاه‌های مختلف باهم مقایسه کند و حتی می‌تواند از این طریق قدرت نقد و تحلیل خود را افزایش دهد)، امکان عبور از مرزهای جغرافیایی و آشنایی با افراد و سایر جوامع و فرهنگ‌ها (کاربران می‌توانند از این راه فرهنگ و آداب و رسوم کشور خود را به دیگران معرفی کنند، همچنین سازمان‌ها هم از این طریق می‌توانند دیدگاه خود را منتشر کنند)، شکل‌گیری و تقویت خردجمعی (خردجمعی به جریان پویای قوه تفکر کاربران در این محیط‌ها گفته می‌شود که به عنوان یک پردازش گر بزرگ، اطلاعات را پردازش می‌کند (امجد (Yang) و همکاران، ۲۰۲۲). نیروی ذهن و تفکر کاربران شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر ترکیب می‌شود و نیرویی بزرگ با قدرت پردازش بالا به وجود می‌آورد، امکان بیان ایده‌ها به صورت آزادانه و آشنایی با ایده‌ها، افکار و سلاقی دیگران (امکان ارسال بازخورد و همکاری و همگامی کاربران و مشارکت در بحث‌ها وجود دارد. اعضا به مشارکت و کامنت گذاشتن تشویق می‌شوند. مانع جدی برای تولید محتوا وجود ندارد و بر خلاف رسانه‌های سنتی که محتوا را تولید و ارسال می‌کردند، در شبکه‌های اجتماعی امکان گفتگو وجود دارد و جریان ارتباط دوسویه است)، کارکرد تبلیغی و محتوایی، ارتباط مجازی مستمر با دوستان و آشنایان (شبکه‌های اجتماعی موجب گسترده‌تر شدن دامنه ارتباطات شده است. ما می‌توانیم کسانی که از آن‌ها بسیار دور هستیم یا کسانی که مدت زیادی است که ارتباطی با آن‌ها نداشته‌ایم را در این شبکه‌ها پیدا کنیم و ارتباط برقرار کنیم (امجد و همکاران، ۲۰۲۲). از سویی دیگر یکی از عملکردهای مفید شبکه‌های اجتماعی امکان توسعه مشارکت‌های مفید اجتماعی، افزایش سرعت در فرایند آموزش و امکان ترغیب و تشویق افراد به شرکت در فعالیت‌های مفید همچون فعالیت‌های آموزشی در اوقات فراغت است (آلشالوی (Alshalawi)، ۲۰۲۲). با این حال و به طور کلی، با توجه به اهمیت دانش آموزان بر توسعه جامعه و اینکه دانش آموزان آینده‌سازان هر ملتی هستند، شناخت راهکارهای پیشرفت دانش آموزان در ابعاد فردی، اجتماعی و تحصیلی می‌تواند به توسعه راهکارهای پیشرفت آنان کمک کند. در این راستا سبک‌های فرزند پروری و باورهای مذهبی خانواده و همچنین برنامه‌های رسانه‌ای بسیار حائز اهمیت و شایان توجه می‌باشد و از طرفی تاکنون پژوهشی به بررسی این متغیرهای خانوادگی مهم در ابعاد رشدی

فرزندان برای ارائه یک الگوی کاربردی نپرداخته است، پس با توجه به تحقیقات محدود در این زمینه و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی شهرهای مذهبی به‌ویژه شهر قم، هدف از پژوهش تحلیل اثرات سبک فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی با توجه به نقش رسانه‌ها در دانش‌آموزان شهر قم می‌باشد.

۳. روش‌شناسی

این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و روش انجام آن، توصیفی از نوع همبستگی (رگرسیون) است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم مقطع متوسطه شهر قم در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند. این تعداد حدوداً ۱۵ هزار دانش‌آموز دختر و پسر را شامل می‌شود. نمونه آماری پژوهش شامل ۳۷۵ دانش‌آموز (با توجه به جدول مورگان و فرمول کوکران که تابع نمایی است) هستند که به‌صورت خوشه‌ای-تصادفی انتخاب و موردبررسی قرار گرفتند. بدین‌صورت که از هر ناحیه از استان قم (۴ ناحیه در قم وجود دارد) به‌صورت تصادفی ۴ مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) انتخاب‌شده و از بین دانش‌آموزان این مدارس به‌صورت تصادفی نمونه آماری انتخاب شد. در مجموع، با در نظر گرفتن احتمال ریزش پرسشنامه و عدم برگشت تعدادی پرسشنامه، نمونه ۴۰۰ نفری اتخاذ شد. از این تعداد نهایتاً ۳۸۰ پرسشنامه عودت داده شد و مورد تحلیل قرار گرفت. دانش‌آموزان با رضایت کامل در پژوهش شرکت داده شدند و پر کردن پرسشنامه‌ها بدون ذکر نام بود. زمان توزیع پرسشنامه در بین کلاس‌ها و در زنگ تفریح با اعلام رضایت مدیر و معاونین مدرسه بود.

در این پژوهش از پنج پرسشنامه پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند، پرسشنامه باورهای مذهبی گلزاری، پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو، مقیاس رشد اجتماعی واینلند، پرسشنامه سنجش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان فام و تیلور و پرسشنامه میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی (محقق ساخته) استفاده‌شده است.

پایایی و روایی این ابزارها، با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال‌اس، در دو بخش سنجیده می‌شود: الف) بخش مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری، ب) بخش مربوط به مدل ساختاری. پایایی مدل اندازه‌گیری به‌وسیله ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بار عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار $0/4$ شود مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و

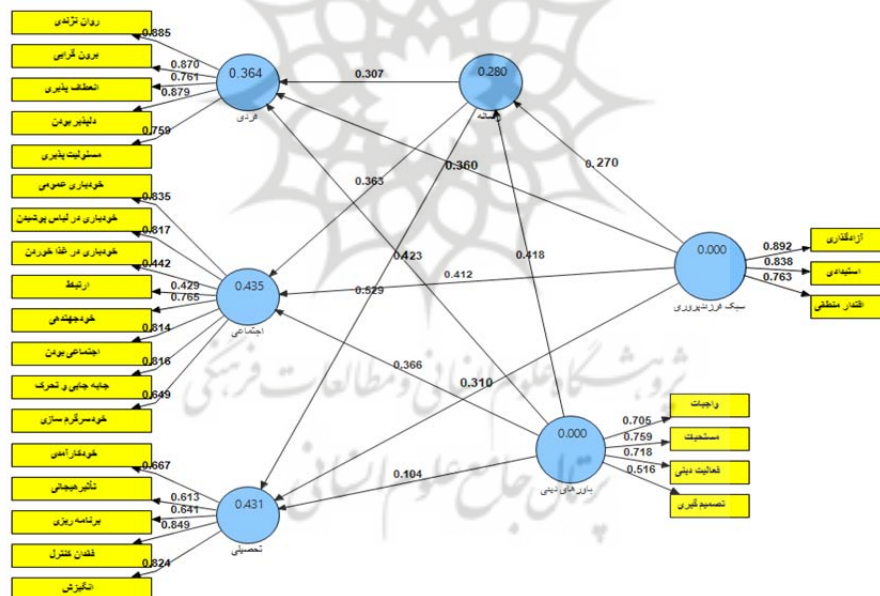
پایایی در مورد آن سازه قابل قبول است. همچنین در خصوص روایی محتوی نیز با استفاده از فرم‌های روایی سنجی CVI و CVR روایی مورد تأیید قرار گرفت. مقدار CVR با توجه به تعداد اساتید (۹ نفر)، بیشتر از ۰/۷۷ و مقدار CVI بیشتر از ۰/۸۱ به دست آمد؛ بنابراین روایی محتوی ابزار مورد تأیید قرار گرفت. روایی واگرا و همگرا که مربوط به معادلات ساختاری است، مورد سنجش قرار گرفت. در این پژوهش از دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از جداول و نمودارهای توصیفی برای بیان ویژگی‌های دموگرافیک و توصیفی پژوهش استفاده شد. از شاخص‌های کشیدگی و چولگی به منظور بررسی توزیع داده‌ها (طبیعی و یا غیرطبیعی بودن) استفاده و برای بررسی و پاسخ به سؤالات پژوهش و رسم و تدوین مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و Smart PLS نسخه ۲/۰ استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

برای تعیین نرمالیت داده‌ها از چولگی و کشیدگی استفاده شد. نتایج نشان داد که چولگی بین ۳ و ۳- و کشیدگی بین ۵ و ۵- قرار ندارد. تعداد نمونه‌های پژوهش بیشتر از ۲۰۰ نفر می‌باشد و به ازای هر متغیر، ۳ گویه وجود دارد؛ اما با توجه به آنکه توزیع داده‌ها غیرطبیعی می‌باشد، بنابراین اجازه استفاده از نرم‌افزارهای کواریانس محور وجود ندارد و باید از نرم‌افزار واریانس محور (PLS) استفاده گردد.

برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود و پایایی خود از سه طریق بررسی ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایایی اشتراکی صورت می‌پذیرد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد. برای تمامی سؤال‌ها، ضرایب بارهای عاملی سؤالات از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. در اینجا هیچ‌یک از سؤال‌ها حذف نگردید. مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها در همه متغیرها، بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. در این تحقیق پایایی متغیرها در حد مطلوب قرار دارد. از آنجاکه پایایی تأیید می‌شود می‌توان به بررسی فرضیات توسط معادلات ساختاری پرداخت و نتیجه قابل تعمیم به کل جامعه مورد نظر می‌باشد. معیار دوم از بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی همبستگی هر متغیر با سؤالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. با توجه به روش فورنل و لارکر که مقدار مناسب برای AVE را ۰/۴ به بالا معرفی

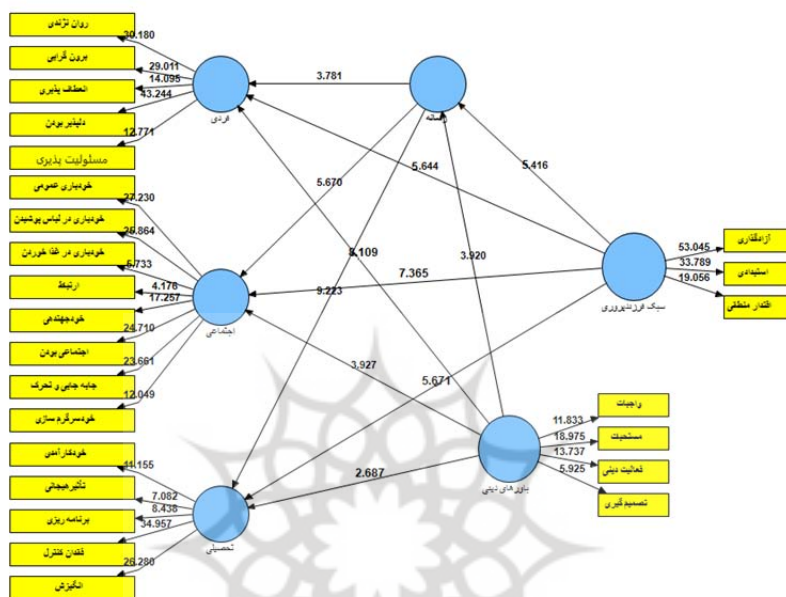
کرده‌اند. برای تمامی متغیرها، مقدار AVE بیشتر یا مساوی ۰/۴ می‌باشد. روایی واگرا سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که در این پژوهش در هر دو بخش روش اول (سؤالات مربوط به هر متغیر نسبت به خود آن متغیر همبستگی بیشتری دارند تا نسبت به متغیرهای دیگر) و دوم (معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌گردد، میزان رابطه یک متغیر با سولاتش در مقایسه رابطه آن متغیر با سایر متغیرهاست)، به‌طوری‌که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک متغیر در مدل تعامل بیشتری با سؤالات خود دارد تا با متغیرهای دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر متغیر بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن متغیر و متغیرهای دیگر در مدل باشد) مورد تأیید قرار گرفت. بعد از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، بخش مدل ساختاری برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌گردد.



شکل ۱. مدل اندازه‌گیری

برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معنی‌داری t یا همان مقادیر t-values می‌باشد. در صورتی‌که مقدار این

اعداد از ۰/۹۵ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه‌ی بین متغیرها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۱/۹۶ است. البته باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین متغیرها را نمی‌توان با آن سنجید.



شکل ۲. ضرایب معنی‌داری

مقدار R^2 برای متغیرهای برون‌زا یا مستقل برابر صفر است. در این قسمت، مقدار R^2 برای سه متغیر فاکتورهای اجتماعی، تحصیلی و فردی برابر با مقدار متوسط و برای رسانه، برابر با مقدار ضعیف می‌باشد. مقدار Q^2 : این معیار برای چهار متغیر درون‌زای مدل بیشتر از ۰/۱۵ می‌باشد که این نشان می‌دهد که متغیر برون‌زا (مستقل) در پیش‌بینی متغیر وابسته، متوسط هستند و برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را تا حدودی بار دیگر تأیید می‌سازد.

برازش مدل کلی: مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است، در هر ۴ متغیر، مقدار بیشتر از ۰/۳۶ به دست آمد که نشان از برازش کلی قوی مدل دارد. در ادامه به بررسی روابط موجود در مدل پژوهشی پرداخته می‌شود.

جدول ۱. روابط موجود در مدل پژوهش

روابط موجود در مدل پژوهش	ضرب مسیر	مقدار T-VALUE	نتیجه
سبک فرزند پروری بر عوامل فردی	۰/۳۶۰	۵/۶۴۴	تأیید
سبک فرزند پروری بر عوامل اجتماعی	۰/۴۱۲	۷/۳۶۵	تأیید
سبک فرزند پروری بر عوامل تحصیلی	۰/۳۱۰	۵/۶۷۱	تأیید
سبک فرزند پروری بر رسانه	۰/۲۷۰	۵/۴۱۶	تأیید
باورهای دینی بر عوامل فردی	۰/۴۲۳	۸/۱۰۹	تأیید
باورهای دینی بر عوامل اجتماعی	۰/۳۶۶	۳/۹۲۷	تأیید
باورهای دینی بر عوامل تحصیلی	۰/۱۰۴	۲/۶۸۷	تأیید
باورهای دینی بر رسانه	۰/۴۱۸	۳/۹۲۰	تأیید
رسانه بر عوامل فردی	۰/۳۰۷	۳/۷۸۱	تأیید
رسانه بر عوامل اجتماعی	۰/۳۶۳	۵/۶۷۰	تأیید
رسانه بر عوامل تحصیلی	۰/۵۲۹	۹/۲۲۳	تأیید

با توجه به جدول فوق، مقدار T-Value همه روابط موجود در مدل پژوهش بیشتر از ۲/۵۸ می‌باشند بنابراین در سطح ۰/۹۹، سبک‌های فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها و رسانه بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. بدین صورت که هر چه سبک‌های فرزند پروری والدین، از سبک استبدادی به سمت سبک اقتدار منطقی، عملکرد تحصیلی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان بهتر می‌شود و از سوی دیگر، هر چه باورهای مذهبی دانش‌آموزان بهتر باشد، عملکرد تحصیلی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان بهتر می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به تأیید همه روابط موجود در مدل، می‌توان اینگونه جمع‌بندی نمود که رسانه نقش میانجی جزئی در روابط موجود در مدل دارد.

از سوی دیگر، برای بررسی میانجی بودن متغیر رسانه از آزمون سوبل استفاده می‌شود. به‌طور کلی در آزمون سوبل می‌توان از تخمین نرمال برای بررسی معنی‌داری رابطه استفاده کرد. با داشتن برآورد خطای استاندارد اثر غیرمستقیم می‌توان فرضیه صفر را در مقابل فرض مخالف آزمون کرد. آماره Z برابر است با نسبت $a*b$ به خطای استاندارد آن؛ به عبارت دیگر مقدار Z-Value را از رابطه زیر به دست می‌آوریم:

a: ضریب مسیر (بارعاملی) میان متغیر پیش‌بین و میانجی

b: ضریب مسیر (بارعاملی) میان متغیر میانجی و ملاک

S_a : انحراف معیار مسیر متغیر پیش‌بین و میانجی

S_b : انحراف معیار مسیر متغیر میانجی و ملاک

$$t = \frac{a * b}{\sqrt{(b^2 * s_a^2) + (a^2 * s_b^2)}}$$

فرمول ۱. آزمون سوبل برای بررسی میانجی بودن رسانه

نتایج آزمون سوبل:

- سبک فرزندپروری و عوامل فردی: ۴/۵۸۷

- سبک فرزند پروری و عوامل اجتماعی: ۵/۳۶۴

- سبک فرزند پروری و عوامل تحصیلی: ۳/۶۴۱

- باورهای دینی و عوامل فردی: ۴/۱۲۴

- باورهای دینی و عوامل اجتماعی: ۶/۳۰۱

- باورهای دینی و عوامل تحصیلی: ۳/۴۱۲

با توجه به آنکه مقادیر به دست آمده از آزمون سوبل بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد و در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی‌دار می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر رسانه به‌عنوان متغیر میانجی بین متغیرهای عنوان‌شده عمل می‌کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تحلیل اثرات سبک فرزند پروری و عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان با توجه به نقش میانجی رسانه‌ها بود. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی‌داری دارد، این نتیجه با نتایج بختیاری، شجری و همکاران (۱۳۹۸) و همکاران (۱۳۹۵)، احمدی (۱۳۹۶) همسو است. در این زمینه می‌توان اظهار کرد که کودکان و نوجوانانی که والدین آنان روش مقتدرانه را به کار می‌برند از مهارت‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند و فعالیت‌های موثرتر و مفیدتری را انجام می‌دهند زیرا به دلیل حاکم بودن فضای عاطفی و روابط محترمانه میان پدر و مادر و فرزندان، زمینه برای رشد و شکوفایی فرزندان مهیا

می‌شود، والدینی که دارای سبک اقتدار منطقی هستند کنترل ثابتی را برای فرزندانشان اعمال کرده و استقلال فرزندانشان را تشویق می‌کنند. در تاکید بر قوانین و اهمیت فرمان‌برداری و اطاعت فرزندان ثابت قدم هستند، رفتارهای رشد یافته از فرزندان انتظار دارند و در عین حال حقوق فرزندان را به رسمیت می‌شناسند، فرزندان خود را به صراحت و روشنی راهنمایی کرده و نظم و انضباط تربیتی آن‌ها توأم با گرمی منطقی و انعطاف‌پذیری و گفت‌و شنود کلامی است (تورنر (Turner) و همکاران، ۲۰۰۵). این والدین با نیازهای رشدی فرزندان سازگار هستند و ارزش زیادی به رشد خود مختاری می‌دهند. در این سبک والدین فرصت‌هایی به نوجوان می‌دهند برای آنکه آن‌ها را در تصمیم‌گیری و استقلال نیرومند کنند، لذا فرزندان فرصت کافی و محیط مناسب را برای رشد ویژگی‌های فردی خویش در اختیار دارند. لذا حرکت به سمت فرزندپروری مقتدرانه و منطقی و آموزش والدین در این زمینه می‌تواند زمینه بهبود ویژگی‌های شخصیتی فرزندان، به عنوان آینده‌سازان جوامع را فراهم نماید.

نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های فردی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی‌داری دارد. این نتیجه با نتایج رضوی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. در این راستا می‌توان گفت که به اعتقاد بوردیو سرمایه مذهبی (دینداری) سرمایه مؤثری در جامعه است، چنانکه گفتنی است این سرمایه، سبک زندگی (رفتارها و نگرش‌های مختلف) افراد دیندار را از افراد کم‌تر دیندار متمایز می‌کند. با این حال و به طور کلی نحوه تعامل والدین با فرزندان می‌تواند بر رفتار فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آنان تأثیرگذار باشد، با چنین پیش فرضی می‌توان گفت نظام تربیتی خانواده بر گرایش دینی فرزندان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. با این حال و به طور کلی توجه و پایبندی به مذهب می‌تواند زمینه ساز توسعه تعهد در افراد شود و این تعهد و خدا باوری در بطن خانواده می‌تواند زمینه افزایش تاب‌آوری و بهبود ویژگی‌های فردی را فراهم آورد. لذا برنامه‌ریزی و تلاش بیشتر از سویی سازمان‌های فرهنگی برای بهبود فضای مذهبی خانواده‌ها و استفاده مناسب از مزایای فضای مجازی، رسانه‌ها و نیروی انسانی مدارس می‌تواند در این زمینه راه گشا باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی‌های اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی‌داری دارد. این نتیجه با نتایج ثابت خواه فومنی و همکاران (۱۳۹۸)، نعمتی و ناشی و همکاران (۱۳۹۷)، کلاتری و همکاران (۱۳۹۵) و جی هانگ و همکاران (۲۰۱۷) همسو است. در این راستا بامریند (۱۹۹۱) نیز بیان می‌کند که والدین قاطع بچه‌هایی دارند که اغلب سازگار هستند، خوشرو، مسئولیت‌پذیر و متکی به خود هستند و جهت‌گیریشان به سمت

پیشرفت می‌باشد. آن‌ها وقتی به سن نوجوانی می‌رسند به طور قاطعانه رفتار می‌کنند و خونگرم و اجتماعی می‌شوند. بامریند (۱۹۹۹) همچنین بیان می‌کند کودکانی که والدین مقتدر داشتند از رشد خوبی برخوردار بودند، در تکالیف جدید اعتمادیه نفس داشتند و کمتر رفتار جنشی قالبی از خود نشان می‌دادند. در طرف مقابل والدینی که از شیوه استبدادی استفاده می‌کنند از ترکیب سبک درخواست کنندگی، کنترل بالا و پذیرندگی و پاسخ دهندگی پایین ترکیب شده‌اند. در این شیوه والدین قوانین خاصی اعمال می‌کنند و از بچه‌ها انتظار دارند تا از آن قوانین بدون هیچ توضیحی اطاعت کنند و در مورد اینکه چرا بچه‌ها باید قوانین را اطاعت کنند توضیح کمی می‌دهند، این گروه از تکنیک‌های قهری استفاده می‌کنند. بکاتکو و داهلر (۱۹۹۵) بیان کردند که این والدین غیر حمایت‌کننده هستند و به استقلال بچه‌ها اهمیت نمی‌دهند. بامریند (۱۹۹۹) نیز بیان می‌کند که فرزندان با والدین استبدادی گرایش به بد اخلاقی دارند و به ظاهر غمگین هستند، تحریک پذیرند، بدون هدف هستند و نظرشان نسبت به جهان اطراف خوشایند نیست. این بچه‌ها غالباً دچار تعارض بوده و نوسان خلقی دارند (اله‌ام کیا و همکاران، ۱۳۹۶). این عوامل باعث می‌شود تا ویژگی‌های فردی و سازگاری اجتماعی این فرزندان تحت تأثیر قرار گیرد و عملکرد خوبی در زمینه سازگاری اجتماعی از خود نشان ندهند. بنابراین نتایج پژوهش حاضر منطقی به نظر می‌رسد.

نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی‌داری دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش تیموری و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. به اعتقاد بوردیو باورهای مذهبی مسئولیت ثبات اخلاقی را به عهده دارد و از ارزش‌های فرهنگ عمومی مراقبت می‌کند. در نظریه پارسونز، نهاد دینی که مسئولیت ثبات اخلاقی جامعه را بر عهده دارد و از ارزش‌های فرهنگی مراقبت می‌کند، جزء عواملی است که نگرش افراد و به تبع آن کنش اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر، ارزش‌های مذهبی به مثابه نظامی ارزشی، راه‌های خاص و نحوه نگرش را در موقعیت‌های ویژه به شخص نشان می‌دهند (وثوقی و دائمی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). افزون بر این، بر اساس پژوهش‌های انجام‌گرفته تمایلات معنوی و مذهبی بودن باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی، سلامت روان (هالز (Hales)، ۱۹۹۹)، تحمل حوادث فشارزای زندگی (یانگ (Yang) و همکاران، ۲۰۰۷) و مصونیت بیش‌تر در برابر تنش و بهبود روابط بین افراد خانواده می‌گردد (گراهام (Graham) و همکاران، ۲۰۰۱). از سویی حضور در برنامه‌های مذهبی و نهادهای مذهبی این ایده را تبلیغ می‌کنند که روابط مثبت و حسنه در میان اعضای خانواده و افراد جامعه امری قابل تحسین و

ستودنی است. نهادهای مذهبی از مکانیزم‌هایی استفاده می‌کند که از آن طریق به حمایت رسمی از افراد و خانواده‌ها می‌پردازند. تشکلهای مذهبی بیشتر فعالیت‌ها را برای تقویت تعامل و روابط مثبت میان اعضای جامعه سازمان‌دهی می‌کنند. از یک سو آن‌ها از طریق حضور در مراکز مذهبی، اوقاتی را باهمه می‌گذرانند و از طرف دیگر با ایجاد اردوگاه‌های خانوادگی به ارائه کمک‌های مشورتی، آموزش و پرورش و ... مبادرت می‌ورزند و فرصت‌های پیوند بین افراد را تقویت می‌نمایند. سومین مجموعه از مکانیزم‌ها، شامل نقش مذهب در ایجاد و فروبستگی در رابطه‌ای اجتماعی از طریق متصل کردن دوستان و اعضای خانواده در یک گروه اجتماعی همانند است؛ یعنی اتصال و هم بستگی بین اجزاء و عناصر یک مجموعه و نقش دین در این اتصال است. به نظر می‌رسد اعضای خانواده‌هایی که در نهادهای مذهبی همانندی شرکت دارند، احتمالاً یک سری روابط اجتماعی با سایر اعضای آن نهاد مذهبی پیدا می‌کنند. «کلمن، عنوان می‌کند که دین فروبستگی شبکه‌های اجتماعی، روابط والدین و فرزندان را تقویت می‌کند. به‌طوری‌که آن روابط اجتماعی را افزایش داده، روابط خویشاوندی مثبت‌تری را نیز بهبود می‌بخشد.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزند پروری بر ویژگی‌های تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی‌داری دارد. این نتیجه با نتایج خجسته و همکاران (۱۳۹۸)، اسمیز و همکاران (۲۰۲۰) و سروس و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در این راستا بامریند (۱۹۹۱) نیز بیان می‌کند که والدین قاطع بچه‌هایی دارند که اغلب سازگار هستند، خوشرو، مسئولیت‌پذیر و متکی به خود هستند و جهت‌گیریشان به سمت پیشرفت می‌باشد. آن‌ها وقتی به سن نوجوانی می‌رسند به طور قاطعانه رفتار می‌کنند و هدف‌گرا می‌شوند. بامریند (۱۹۹۹) همچنین بیان می‌کند فرزندان که والدین مقتدر داشتند در تکالیف جدید اعتماد به نفس داشته و کمتر رفتار جنبشی قالبی از خود نشان می‌دادند. از سویی والدین سهل‌گیر محدودیت خیلی کمی را برای فرزندان‌شان اعمال می‌کنند، در تاکید بر قوانین و معیارهای رفتاری سست هستند، به ندرت از فرزندان خود انتظار دارند که در کارهای روزمره خانواده شرکت کنند و به ندرت رفتار آن‌ها را هدایت می‌کنند. باوجود این در گرم بودن و پاسخگو بودن بالا هستند و اجازه می‌دهند فرزندان‌شان رفتارهای خودشان را تنظیم کنند و به ندرت آن‌ها را تنبیه می‌کنند. این والدین از نظر سبک پذیرندگی - پاسخ دهنده‌گی در سطح بالا هستند، اما در سبک درخواست‌کنندگی و کنترل پایین هستند. آن‌ها نسبت به رفتار بچه‌ها بسیار اغماض‌کننده‌اند و رفتار فرزندان‌شان کمتر حالت کنترل‌کنندگی دارند، آن‌ها بسیار اغماض‌کننده‌اند و در رفتار فرزندان‌شان کمتر حالت

کنترل‌کنندگی دارند، آن‌ها بچه هایشان را تشویق می‌کنند تا احساسات و انگیزه هایشان را توضیح دهند. یکی از ویژگی‌های این والدین فقدان تنظیم قوائد و قوانین در خانه می‌باشد. آن‌ها برای فرزندشان حمایت‌کننده نیستند (پالمر، ۱۹۹۷)، این والدین گرایش دارند که روش معتدل سرد و یا غیر مشارکتی داشته باشند. بامریند (۱۹۹۱) دریافت که بچه‌هایی که والدین سهل‌گیر دارند اغلب تکانشی و پرخاشگر هستند. به‌ویژه اگر پسر باشند، آن‌ها گرایش به ریاست‌طلبی و خودمداری و تمرد دارند. اغلب بی‌هدف هستند و استقلال و پیشرفت بسیار کمی دارند و خودکترلی و اعتمادبه‌نفس در آن‌ها کم می‌باشد و نشانه‌هایی از استقلال و مسئولیت‌پذیری ندارند (باکاتکو، ۱۹۹۵). فرزندان والدین آسان‌گیر در کنترل‌تکانه‌های خود مشکل دارند و اغلب نافرمانی و سرکشی دارند. نوجوانی که به این شیوه پرورش می‌یابد کمتر در برنامه‌های آموزشی مدرسه مشارکت دارند و رفتارهای پرخطر بیشتری دارند. با این حال چنین استنباط می‌شود که این شیوه باعث می‌شود تا والدین از مسئولیت تربیتی خود غافل بمانند. در این راستا افزایش آگاهی والدین از عواقب و نتایج آسان‌گیری بر فرزندان و استفاده از سبک سهل‌گیرانه می‌تواند زمینه کاهش استفاده از این شیوه را به همراه داشته باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که عمل به باورهای دینی خانواده‌ها بر ویژگی‌های تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه تأثیر معنی‌داری دارد. این نتیجه با نتایج خجسته و همکاران (۱۳۹۸)، برجیان و همکاران (۲۰۲۰)، استرادا (۲۰۱۹)، عاشوری و همکاران (۲۰۱۶) و زوبایرو و همکاران (۲۰۱۶) همسو است، این پژوهشگران اعتقاد دارند که باورهای دینی باعث بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود. در این راستا می‌توان گفت که دین‌باوری و اعتقادات مذهبی در ابعاد مختلف زندگی انسان نقش بسزایی دارد و اساساً دین به عنوان یک نظام اخلاقی، اجتماعی و ... شکل‌دهنده روابط و اعمال انسانی در طول زندگی وی می‌باشد و تأثیر مستقیمی در شیوه زندگی و طبعاً رشد و پیشرفت و یا پسرفت و زوار خواهد داشت؛ بنابراین افرادی که از دین‌باوری بیشتر بهره می‌برند به نوعی نظام‌های اخلاقی و اجتماعی مستحکم‌تر و قانونمندتری نسبت به سایرین دارند و لذا در جهت تعالی همه‌جانبه آن بر اساس معیارهای دینی تلاش و تکاپوی بیشتر و راسخ در کنار هدفمندی بهتر و بهره‌مندی از بنیان‌های اعتقادی قوی‌تر از خود نشان می‌دهند در نتیجه در تمامی امور زندگی از جمله درسی، پیشرفت و موفقیت بهتری خواهند داشت. از بعد دیگری نیز افرادی که دین‌باوری بیشتری دارد از بسیاری از امور که مانع پیشرفت عوارض زوال و نابودی می‌شود و اصولاً در این اعمال خلاف نامیده می‌شود دوری می‌جویند؛ بنابراین باید توجه ویژه‌ای به تقویت و پرورش دین‌باوری در دانش‌آموزان

صورت بگیرد تا بتواند نظام‌های اخلاقی و اجتماعی خود را گسترش دهند و به درس و پیشرفت علمی اهتمام ورزند که این فرایند بهتراست از سنین کم و در پایین ترین آموزش یعنی دوران کودکی شروع شود تا دین‌باوری در کودک نهادینه گردد و تاثیر خود را به‌خوبی ایفا کند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که متغیر رسانه به‌عنوان متغیر میانجی بین متغیرهای عنوان‌شده عمل می‌کند. این نتایج با نتایج کائو و کیان (۲۰۲۲)، هامل (۲۰۲۱)، معین (۲۰۲۱) و بارتون (۲۰۲۱) همسو است. رسانه‌های نوین یکی از عوامل مهم در دگرگونی‌های فرهنگی و فرهنگ‌پذیری جوانان محسوب می‌شوند و از منظر فرهنگی این رسانه‌های نوین محیطی برای امکان‌آشنایی و یادگیری تمام عناصر فرهنگی جهان هستند که می‌توانند به اعضای فرهنگ‌های مختلف دیگر منتقل شوند. با گسترش استفاده از رسانه‌های اجتماعی ویژگی‌های فرهنگی از مکان و زمان خود جدا شده و در اختیار همگان قرار گرفته است. به‌طوری‌که در جوامع فعلی رسانه‌های اجتماعی توانسته‌اند مفاهیمی چون دوست، ارتباط، خانواده، هویت و حتی مسائلی جزئی مانند نحوه احوال‌پرسی کردن را باز تعریف کنند. در تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در گرایش دانش‌آموزان به سبک زندگی نوین و بهبود ویژگی‌های فردی، اجتماعی و تحصیلی آنان می‌توان گفت که رشد و گسترش رسانه‌ها نوین بر الگوپذیری دانش‌آموزان برای انتخاب تفریح و سرگرمی، مدیریت و پوشش بدن و نیز بالا رفتن فزاینده سطح نیازهای آنان تأثیر گذاشته‌اند و گاه دسته‌ای را به‌کندن از واقعیات حقیقی و پناه بردن به واقعیات مصنوعی و به بیان بل (۱۹۹۹) تابعیت فرهنگ‌های نمایشی کشانده‌اند. همچنین رسانه‌های جدید توانسته‌اند همه ابعاد زندگی بشری از جمله تصور ذهنی او نسبت به بدن خود را تغییر دهند. این فناوری‌ها با تأثیرات شگرف خود باعث می‌شوند که نگاه انسان نسبت به خود میزان رضایت از وضعیت خویش اهمیتی که به آن می‌دهد و نیز وقت و سرمایه‌های که صرف آن می‌کند به‌طور معناداری متفاوت شود.

به‌طور کلی و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده بهبود باورهای مذهبی در سطح جامعه و همچنین آموزش سبک اقتدار منطقی به والدین و گرایش دادن آن‌ها به اتخاذ چنین سبک تربیتی و برنامه‌ریزی ریزی رسانه‌ای مناسب و ویژه برای گروه سنی نوجوان، می‌تواند زمینه بهبود ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان فراهم آورد. لذا سازم آن‌های متولی فرهنگ کشور و همچنین رسانه‌های ارتباط جمعی می‌بایست با برنامه‌ریزی مناسب و تهیه برنامه‌های مناسب و ویژه نوجوانان زمینه بهبود ویژگی‌های فردی و اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان فراهم کنند.

کتاب‌نامه

- ابراهیم‌آبادی، حیدر. (۱۳۸۸). تأثیر دو روش مبتنی بر وب و آموزش به روش سنتی بر یادگیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- احمدی برگانی، فرشته. (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های تربیتی والدین با سازگاری تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان داراب. کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه مشاوره، خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- امینی، شهریار. (۱۳۹۰). بررسی نقش خودکارآمدی، خودتنظیمی و عزت‌نفس در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان، رشته علوم تجربی شهرستان شهرکرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم.
- برک، لورا. (۲۰۰۷). روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- بلاغت، رضا. احمدی، هادی. گلزاری مقدم، نجمه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۰ (۲۳): ۱۸۷-۲۰۸.
- تنهای‌رشنولو، فرهاد. حجازی، الهه. (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک فرزند پروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی، دوماهنامه علمی - پژوهشی دانش‌ور رفتار، ۱۶ (۱): ۳۹،۴.
- ثابت خواه فومنی، صدیقه. اخوان خدا شهری، عباس. فرج پور کمسری، سمیه. (۱۳۹۸). نقش سبک‌های فرزند پروری مادران در پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه ششم دختر شهرستان فومن، دومین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی، شیروان، موسسه پژوهشی رهجویان پایا شهر اترک و مجله علمی تخصصی پایا شهر.
- جاسم نژاد، منیژه. (۱۳۹۸). رابطه ادراک خدا و نگرش مذهبی با رضایت از زندگی در دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر اهواز، پنجمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی و علوم تربیتی و روانشناسی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
- خجسته، سعیده. امان الهی خبیصی، مجید. (۱۳۹۸). رابطه پایبندی مذهبی و رشد اخلاقی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز، دانشگاه پیام نور استان فارس - مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (متانا).
- خسروی، معصومه. حکیمی نصرآبادی، سمانه السادات. (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین و اعتیاد به اینترنت با اختلالات یادگیری در دانش‌آموزان. تحقیقات و فناوری، ۲ (۱): ۳۵-۴۵.
- رشیدزاده عبدالله. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش برنامه مبتنی بر معنویت و آموزه‌های اسلامی بر اضطراب و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۵ (۱): ۳۴-۷.

اثرات سبک فرزندپروری و عمل به باورهای دینی ... (محمود مرادی و دیگران) ۲۳۷

رضوی، انسیه. بارانی، خدیجه. شریفی، مهدی. (۱۳۹۴). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با کارکرد خانواده و شادکامی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی، کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین و مرکز مطالعات و تحقیقات.

زامیاد عباس. یاسمی، محمدتقی. واعظی، سید احمد. (۱۳۷۵). هنجاریابی مقدماتی مقیاس رفتار انطباقی و اینلند در جمعیت شهری و روستایی شهر کرمان. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۲ (۴): ۵۵-۴۴.

سروقد، سیروس. برزگر، مجید. بلاغی، طاهره. (۱۳۹۰). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با ابعاد کمال‌گرایی و شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد مرودشت. جامعه‌شناسی زنان، ۲ (۳): ۸۱-۱۰۲.

شجری، خدیجه. حجازی، مسعود. (۱۳۹۸). نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی در دانش‌آموزان دختر شهر زنجان، دو فصلنامه راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی ۶ (۲): ۶۷-۵۶.

شولتز، الن. (۱۳۸۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه سید یحیی محمدی، تهران: نشر هما.

شیخی، محمدتقی. (۱۳۹۱). شخصیت و جامعه‌شناسی زنان و خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.

صاحبی، علی. (۱۳۸۸). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی. پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.

صدر، محمد مهرداد. خادم الرضا، نوشین. اخباری، سحرناز. علمائی، مرضیه. هاشمیان، سیدسپهر. (۱۳۹۷). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۲۴ (۱): ۹۱-۸۰.

طهماسب نژاد، صبور. ارین، خدیجه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با پایگاه هویت و دینداری دانش‌آموزان دختران دوره متوسطه دوم. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۵ (۳): ۱۰۰-۸۳.

علوی اعلاء، سید مرتضی. (۱۳۹۳). بررسی نقش سبک‌های تربیتی خانواده‌هایستنی و مدرن بر عملکرد تحصیلی فرزندان، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲ (۱۴): ۱۱۵-۱۰۴.

فقیهی، علی تقی. عابدی، ابراهیم. مصدق، هادی. انصاری، حسن. (۱۳۹۹). رابطه نگرش دینی با عملکرد تحصیلی؛ نقش میانجی تنیدگی تحصیلی در دانشجویان دانشگاه گیلان. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۵ (۴): ۱۰۸-۸۹.

فکور، الهام. پیله‌ورزاده، مطهره. شمسی، افضل. قادری، مصعب. (۱۳۹۴). ارتباط باورهای مذهبی با عزت نفس در دانشجویان، مجله علوم پزشکی زانکو، ۳۲ (۴): ۶۰-۵.

- فیاض، ایراندخت. زرین جوی الوار، مریم. (۱۳۹۶). بررسی رابطه روش های تربیتی مادران با مسئولیت پذیری پسران (با تاکید بر آموزه های تربیت اسلامی). مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۲ (۲): ۳۷-۶۰
- کارتلیج، جی. میلبرن، اف. (۱۳۸۷). آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان. ترجمه محمدحسن نظری نژاد، مشهد: انتشارات قدس رضوی.
- کلاتری، منیژه. شریفی، سیروس. (۱۳۹۵). رابطه سبک های تربیتی والدین با تحول روانی اجتماعی دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر خرمدره، کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اجتماعی، قم
- نعمتی وناشی، رویا. نعمتی وناشی، رضا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سازش یافتگی دوتایی (والدین) و سبک های فرزند پروری والدین در سازگاری اجتماعی و عاطفی دانش آموزان مقطع متوسطه، ماهنامه پیشرفت های نوین در علوم رفتاری ۳ (۲۳): ۱۰۲-۱۱۳.
- نولن، هوکسما. (۱۳۹۲). زمینه روانشناسی هیلگارد و اتکینسون، ویاریش نهم. ترجمه مهدی گنجی، انتشارات ساوالان.

- Alshalawi, A. S. (2022). Social Media Usage Intensity and Academic Performance among Undergraduate Students in Saudi Arabia. *Contemporary Educational Technology*, 14(2), ep361.
- Amjad, S., Younas, M., Anwar, M., Shaheen, Q., Shiraz, M., & Gani, A. (2022). Data Mining Techniques to Analyze the Impact of Social Media on Academic Performance of High School Students. *Wireless Communications and Mobile Computing*, 2022.
- Ashouri, F. P. & Rasekhi, S. (2016). Correlation between religious beliefs with mental health and academic performance in medical students. *International Electronic Journal of Medicine*, 5 (1): 1-6.
- Barton, B. A., Adams, K. S., Browne, B. L., & Arrastia-Chisholm, M. C. (2021). The effects of social media usage on attention, motivation, and academic performance. *Active Learning in Higher Education*, 22(1), 11-22.
- Borji, M. Memaryan, N. Khorrami, Z. Farshadnia, E. & Sadighpour, M. (2020). Spiritual Health and Resilience among University Students: the Mediating Role of Self-Esteem. *Pastoral Psychology*, 69 (1): 1-10.
- Cao, G., & Tian, Q. (2022). Social media use and its effect on university student's learning and academic performance in the UAE. *Journal of Research on Technology in Education*, 54(1), 18-33.
- Esfandiyar B, Khashabi J, Amanpour E, Azimi N. (2011). Relationship between Spiritual Well-being, Religion, and Hope among Patients with Cancer. *Hayat, Journal of Faculty of Nursing and Midwifery*. 17 (3): 27-37.
- Estrada, C. A. M. Lomboy, M. F. T. C. Gregorio, E. R. Amalia, E. Leynes, C. R. Quizon, R. R. & Kobayashi, J. (2019). Religious education can contribute to adolescent mental health in school settings. *International journal of mental health systems*, 13(1): 1-6.

- Fuentes-Balderrama, J. del Castillo, C. C. García, A. O. Loving, R. D. Plaza, B. T. & Cardona, J. R. P. (2020). The Effects of Parenting Styles on Internalizing and Externalizing Behaviors: A Mexican Preadolescents Study. *International Journal of Psychological Research*, 13(1): 9-18.
- Ghafouri, S. Hassanabadi, H. Mahram, B. & Ghanbari Hashem Abady, B.A. (2011). A Survey on Effects of Forgiveness Method Based on Spiritual-Religious Therapies in Reduce Marital Conflict. *Journal of Modern Psychological Studies*; 6(24): 123-142.
- Ghani, F. B. A. Kamal, S. L. A. & Aziz, A. A. (2014). The implication of parenting styles on the akhlak of Muslim teenagers in the south of Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114: 761-765
- Gwin, S. Branscum, P. Taylor, L. Cheney, M. Maness, S. B. Frey, M. & Zhang, Y. (2020). The relationship between parent-young adult religious concord and depression. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 22(1): 96-110.
- Hair, J. F. Sarstedt, M. Ringle, C. M. & Mena, J. A. (2011). An assessment of the use of partial least squares structural equation modeling in marketing research. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 40(3): 414-433.
- Hales, D. (1999). *An invitation to health*. Pacific grove, CA: brooks/cole publishing company. U.S.A.
- Hamal, J. B. (2021). Impact of Social Media on Academic Performance of Graduate Students in Kathmandu. *Interdisciplinary Journal of Management and Social Sciences*, 2(2), 37-49.
- Hardy, S. A. Dollahite, D. C. & Baldwin, C. R. (2019). Parenting, religion, and moral development. *The Oxford Handbook of Parenting and Moral Development*, 179.
- Haslam, D. Poniman, C. Filus, A. Sumargi, A. & Boediman, L. (2020). Parenting style, child emotion regulation and behavioral problems: The moderating role of cultural values in Australia and Indonesia. *Marriage & Family Review*, 1-23.
- Jiang, Y., You, J., Zheng, X., & Lin, M. P. (2017). The qualities of attachment with significant others and self-compassion protect adolescents from non suicidal self-injury. *School psychology quarterly*, 32(2), 143.
- Köstler, L., & Ossewaarde, R. (2022). The making of AI society: AI futures frames in German political and media discourses. *AI & society*, 37(1), 249-263.
- Lau, E. Y. H., & Power, T. G. (2020). Coparenting, parenting stress, and authoritative parenting among Hong Kong Chinese mothers and fathers. *Parenting*, 20(3), 167-176.
- Moen, K. C. (2021). The impact of multi-media presentation format: Student perceptions and learning outcomes. *Scholarship of Teaching and Learning in Psychology*, 7(4), 278.
- Moores, S. (2022). *Media and everyday life in modern society*. In *Media and Everyday Life in Modern Society*. Edinburgh University Press.
- Nesbitt-Larking, P. (2022). *Politics, society, and the media*. In *Politics, Society, and the Media*, Second Edition. University of Toronto Press.
- Newcomb, H. (2022). 4 Other People's Fictions: Cultural Appropriation, Cultural Integrity, and International Media Strategies. In *Mass media and free trade* (pp. 92-109). University of Texas Press.

- Patreka evraret. Evelin, obdecam. (2017). The relationship between motivation, learning approaches, academic performance and time spent. *Accounting Education*. 26 (1); 28-41
- Rinaldi, C., & Howe, N. (2011). Perceptions of constructive and destructive conflict within and across family subsystems. *Infant and Child Development*, 12, 441-459.
- Roxana Dev, R. D. O. Kamalden, T. F. T. Geok, S. K. Abdullah, M. C. Ayub, A. F. M. & Ismail, I. A. (2018). Emotional Intelligence, Spiritual Intelligence, Self-Efficacy and Health Behaviors: Implications for Quality Health. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 8(7): 794-809.
- Seroussi, D. E. & Yaffe, Y. (2020). Links between Israeli College Students' Self-Regulated Learning and Their Recollections of Their Parents' Parenting Styles. *SAGE Open*, 10(1): 2158244019899096.
- Smith, C. P. (2020). How Do Parenting Styles Influence the Academic Performance of African-American College Students at an HBCU on the East Coast (Doctoral dissertation, Walden University).
- Turner & Rose & Cooper (2005). Parental bonding and disorder symptoms in adolescents: The meditating role of core beliefs. *Eating Behaviours*, 6: 113-118
- Valkenburg, P. M., van Driel, I. I., & Beyens, I. (2022). The associations of active and passive social media use with well-being: A critical scoping review. *New media & society*, 24(2), 530-549.
- Yang, C. C. (2022). Similar patterns, different implications: First-generation and continuing college students' social media use and its association with college social adjustment. *Journal of College Student Retention: Research, Theory & Practice*, 24(1), 79-98.
- Yang, K.P. Mao, X.Y. (2007). A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey. *Journal of Nursing Studies*, 144: 999-1010.
- Zubairu, U. M. & Sakariyau, O. B. (2016). The Relationship between Religiosity and Academic Performance amongst Accounting Students. *International Journal of Evaluation and Research in Education*, 5(2): 165-173.